

[توضیح بیشتر تقریب مرحوم نائینی از کلام صاحب کفایه 1](#_Toc501687501)

[نقد مرحوم نائینی به مطلب کفایه: کفایت احتمال استمرار 2](#_Toc501687502)

[نقد محقق عراقی به مرحوم نائینی: عدم اثبات تقارن به وسیله استصحاب 3](#_Toc501687503)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در قسم چهارم حادثین مجهول التاریخ بود که اثر برای عدم حادثی نسبت به حادث دیگر بود.

توضیح بیشتر تقریب مرحوم نائینی از کلام صاحب کفایه

بحث در بیان مرحوم آخوند به تقریب مرحوم نائینی در فوائد بود. ایشان فرمودند: استصحاب در صورت رابعه که ترتب اثر بر نفس عدم حادث نسبت به حادث دیگر بود، جاری نیست؛ چرا که به خاطر عدم احراز اتصال زمان یقین و شک، شبهه مصداقیه دلیل استصحاب است. این صورت در قبال صورت ثالثه بود که وجودِ متصفِ به عدم، موضوع اثر بود که البته در آن صورت هم استصحاب جاری نبود.

به هر حال مرحوم آخوند در صورت رابعه، جریان استصحاب را منتفی دانستند. مثالش این بود آب در یک زمانی، نه کر بود و نه ملاقات با نجس داشت و در زمان دوم و سوم، دو حادث اتفاق افتاده بود، یکی کریت و یکی ملاقات، اگر چه تقدم و تأخر این ها معلوم نیست. در این صورت مرحوم آخوند به خاطر تردد ساعتِ ملاقات بین ساعت دوم و سوم، استصحاب عدم کریت را جاری ندانستند. اگر ملاقات در ساعت دوم بوده باشد، اتصال بین عدم کریت های متیقنه و مشکوکه وجود دارد، ولی اگر ملاقات در ساعت سوم بوده باشد، عدم کریت ساعت اول، متصل به عدم کریت ساعت سوم، نیست. پس اتصال عدم کریت زمان الملاقات با عدم الکریتِ ساعت اول محرز نیست و در نتیجه استصحاب جاری نیست.

نقد مرحوم نائینی به مطلب کفایه: کفایت احتمال استمرار

البته مرحوم نائینی به این کلام مرحوم آخوند اشکال کرده اند. ایشان فرموده اند که باید مراد مرحوم آخوند را از تعبیر عدم احراز اتصال، در استصحاب عدم الکریت تا زمان ملاقات، بررسی کرد. مراد ایشان یا ساعت معنون و مقید به عنوان ملاقات است یا واقع زمان ملاقات.

اگر استصحاب عدم کریت تا زمان مقید و منعوت و معنون به زمان ملاقات را جاری می کنند، ما هم قبول داریم که این استصحاب جاری نیست، لکن نکته عدم جریانش، عدم احرازِ اتصال زمان یقین و شک نیست، بلکه نکته اش عدم وجود سبق یقین است. ما به عدم کریتِ در زمان ملاقات، هیچ یقین سابقی نداشته ایم. آن چه که متیقن بوده است، عدم کریت در ساعت عدم الملاقات است (ساعت اول). عدم کریتِ مقید به زمان ملاقات، حالت سابقه متیقنه ندارد.[[1]](#footnote-1)

اگر هم مرادشان عدم کریت در واقع زمان ملاقات است، در این صورت، استصحاب جاری است و شبهه اتصال زمان شک و یقین وجود ندارد. بالاخره احتمال دارد که عدم کریت تا زمان تحقق ملاقات، استمرار داشته باشد.

توضیح این که در هیچ یک از ادله استصحاب، عنوان اتصال ذکر نشده است و این عنوان، از همان تعبیرِ (لاتنقض) اخذ شده است؛ چرا که اگر اتصال فرض نشود، نقض صدق نمی کند. به نظر ما تنها چیزی که مانعِ صدق اتصال است، یقین به انقطاع است. برای مثال اگر در هنگام صبح، یقین به طهارت وجود داشته باشد و سپس نوم حادث شود و بعد از ظهر، شک در طهارت پیدا شود، به خاطر قطع به انقطاعِ متیقن، اتصال طهارت متیقنه و مشکوکه محرز نبوده و در نتیجه نقض صادق نیست و دلیل استصحاب جاری نمی شود.

تنها مانع جریان استصحاب، یقین به انقطاع متخلل است. مراد از اتصال، عدم وجود یقین به انقطاع، میان زمان متیقن و مشکوک است. حال با توجه به این بیان می گوییم در مورد بحث، بین یقین به عدم کریت و زمان تحقق ملاقات واقعی، علم به تخلل کریت نداریم و لذا استصحاب جاری است.

به عبارت دیگر، ما دلیلی بر اعتبار احراز اتصال نداریم. تنها چیزی که دلیل داریم این است که نباید، یقین به تخلل وجود داشته باشد، لذا در مورد بحث که یقین به انقطاع وجود ندارد، احتمال استمرار هم برای جریان استصحاب کافی است. همین که احتمال بدهیم ملاقات در زمان دوم و کریت در زمان سوم بوده و در نتیجه استمرار وجود داشته است، کافی است. این که گفته شود، شک در استمرار فقط در صورتی است که ملاقات در ساعت دوم بوده باشد، صحیح نیست، بلکه همین که احتمال بدهیم ملاقات در ساعت دوم بوده باشد، شک در استمرار داریم و اصلا اگر ملاقات در ساعت دوم بوده باشد، ما شک در عدم الکریت نداریم، بلکه یقین به آن داریم. [[2]](#footnote-2)

نقد محقق عراقی به مرحوم نائینی: عدم اثبات تقارن به وسیله استصحاب

مرحوم آقا ضیاء به این کلام مرحوم نائینی اشکال کرده است که در مورد بحث، استصحاب جاری نیست. توضیح مطلب: در ساعت دوم به خاطر نبود یقین به ملاقات، استصحاب عدم کریتِ تا زمان ملاقات جاری نیست. استصحاب عدم کریت باید نسبت به ساعتی جاری شود که ملاقات در آن ساعت، حتمی است.

فرض است که موضوع حکم شرعی مرکب است از عدم الکریت و تحقق الملاقات. در ساعت دوم که تحقق جزء ملاقات، یقینی نیست، استصحاب عدم کریت، فایده ای ندارد. زمانی استصحاب در یک جزء موضوع مرکب (عدم کریت)، فایده دارد که وجود جزء دیگر (ملاقات) هم احراز شود.

در ساعت سوم هم اگر چه ملاقات، یقینی است، لکن انتقاض عدم کریت هم یقینی است و لذا استصحاب عدم کریت، معنا ندارد.

سپس فرموده اند که آنچه دلیل استصحاب اثبات می کند، صرف بقاء و استمرار است، نه امری ورای آن. در مورد بحث اگر قرار است، به وسیله خودِ استصحاب عدم کریت، تقارنِ عدم کریت و ملاقات، اثبات شود صحیح نیست؛ چرا که اثبات این مطلب، فوق ظرفیت دلیل استصحاب است، ولی اگر قرار است که تقارن، وجدانا اثبات شود، صحیح است.

اثبات وجدانی تقارن در موارد استصحاب، دارای امثله ای هم می باشد. برای مثال در جایی که یقین به ملاقات در زمان مشخص، مثل ساعت دوازده را داریم و شک در تحقق کریت در یکی از ساعت دوازده یا یک را داریم، بعد از استصحاب عدم کریت، تقارن وجدانا محقق است. در مورد استصحاب طهارت و ضمیمه آن به نمازِ وجدانی نیز تقارن وجدانا اثبات می شود.

مرحوم عراقی فرموده اند: در مورد بحث، از آن جا که شما با استصحاب عدم کریت، به دنبال اثبات تقارن هستید، و این مطلب، خارج از مفاد استصحاب است، پس استصحاب درست نیست.

این بیان محقق عراقی در حاشیه فوائد الاصول[[3]](#footnote-3) و نهایۀ الافکار[[4]](#footnote-4) بود.

1. البته عدم کریتِ مقید به زمان الملاقات، از فرض خارج است؛ چون که فرض ما فرض ترکیب است. [↑](#footnote-ref-1)
2. [فوائد الاصول، محقق نایینی (ابوالقاسم خویی)، ج4، ص519.](http://lib.eshia.ir/13102/4/519/هذا) [↑](#footnote-ref-2)
3. [فوائد الاصول، محقق نایینی (ابوالقاسم خویی)، ج4، ص519.](http://lib.eshia.ir/13102/4/519/أقول) [↑](#footnote-ref-3)
4. [نهایه الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج3، ص196.](http://lib.eshia.ir/13053/3/196/فرق) [↑](#footnote-ref-4)